**تعمید آب، چه چیزی را به تصویر می‌کشد؟**

رومیان ۵:‏۲۰-‏۶:‏۴

اما شریعت در میان آمد، تا خطا زیاده شود، لکن جایی که گناه، زیاده گشت، فیض، بی‌نهایت افزون گردید. تا آنکه چنان که گناه، در موت سلطنت کرد، همچنین فیض نیز سلطنت نماید، به عدالت، برای حیات جاودانی، به وساطت خداوندِ ما عیسی مسیح. پس چه گوییم؟ آیا در گناه بمانیم تا فیض افزون گردد؟ حاشا! مایانی که از گناه مردیم، چگونه دیگر در آن زیست کنیم؟ یا نمی‌دانید که جمیع ما که در مسیح عیسی تعمید یافتیم، در موت او تعمید یافتیم؟ پس چون که در موت او تعمید یافتیم، با او دفن شدیم، تا آنکه به همین قسمی که مسیح به جلال پدر، از مردگان برخاست، ما نیز در تازگیِ حیات، رفتار نماییم.

امروز به آخرین پیغام از مجموعه موعظه‌هایی می‌رسیم که به طور مختصر در آنها به مبحث تعمید آب پرداخته بودیم. می‌دانم که در این باره ناگفته‌های بسیاری باقی مانده است؛ و متأسفم اگر نتوانسته‌ام به برخی از پرسشهای شما پاسخ دهم. اما به یقین فرصتهای دیگری فراهم خواهد شد تا به آنها بپردازیم.

حتماً به یاد می‌آورید که یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌های ما برای اینکه در آغاز فصل تابستان، به این مجموعه بپردازیم، این است که ما معتقدیم که عهد‌جدید، آشکارا و دلیرانه، انسانها را به ایمان به مسیح فرا می‌خواند. خواست ما این است که شاهد باشیم، ایمانداران، به آنجا برسند که مایل باشند تا در حضور همگان، به ایمان خود شهادت دهند؛ همان‌طور که خواستمان این است که شاهد باشیم مردم در طی این تابستان، با شنیدن شهادت شما، و موعظۀ کلام، ایمان آورند.

**چرا عیسی تعمید آب را مقرر نمود؟**

گاهی این پرسش برایمان مطرح می‌شود که چرا عیسی تعمید آب را مقرر نمود؛ و چرا چیزی به نام تعمید آب وجود دارد؟ اگر با فیض، و از طریق ایمان نجات می‌یابیم، چرا آیین، یا نمادی بنیان شده، که باید به واسطۀ آن، ایمانمان را ابراز نماییم؟ کتاب‌مقدس به این پرسش پاسخی نمی‌دهد؛ حال آنکه در این مورد، چیزهای جالبی را می‌توان از تجربه آموخت.

برای نمونه، سه هفته پیش که اولین پیغام را موعظه نمودم، خانمی مبشر، که قبلاً در کشور فیلیپین خدمت می‌نمود، نزد من آمد؛ و به خاطر این مجموعه موعظه‌ها قدردانی کرد و دلیل قدردانی‌اش را توضیح داد. او چنین عنوان کرد که در فیلیپین، در مذهب کاتولیکی که از شاخه‌های مختلف، عقاید و باورهایی را در خود گنجانده، و شمار چشمگیری، فقط به نام کاتولیک هستند، آنانی که به معنای واقعی، توبه کرده و ایمان می‌آورند، به ندرت انگشت‌نمای خانواده‌هایشان بوده، و به نوعی با ایشان مدارا می‌شود، اما هنگامی که سخن از تعمید به میان می‌آید، آن دشمنی و جدایی که کتاب‌مقدس پیش‌بینی نموده است، به وقوع می‌پیوندد. در خصوص این آیینِ آشکار، که در این ایمانِ تازه، به چشم می‌آید، چیزی وجود دارد که مشخص می‌سازد شخصِ تعمید یافته، کجا ایستاده و چکار می‌کند. به بیان دیگر، امروزه نیز در بسیاری از فرهنگها همان شرایطی حاکم است که یحیای تعمید دهنده با آن رو‌به‌رو بود. او آمد؛ و تعمیدِ توبه را موعظه نمود؛ و اغلبْ آن کسانی از موعظۀ او به خشم آمدند که نیازی را در خود احساس نمی‌کردند.

همان هفته، مجلۀ مبشران (دان ریپورت، ۳۰ مه)، در هفتمین صفحه‌اش، تصویر مردی را به چاپ رساند که در رابطه با خدمت بشارتی، در حال تعمید در رودخانه بود. در زیرنویس عکس چنین آمده بود: «خدمات بیرونی، و تعمید در رودخانه، گاهی بهترین وسیلۀ رشد هستند.» ما صرفاً از جزء به جزء دلایل خدا آگاه نیستیم، که چرا در حکمتش، تعمید را معیاری معمول برای ابراز ایمان به مسیح، و شناسایی شدن با او و قومش مقرر نموده است. ما می‌توانیم در خصوص مزیتهای تعمید، چندین دلیل را برشماریم، ولی شاید نتوانیم همۀ ثمرات خوب و پسندیده‌ای را که خدا در نظر داشته، به ذهنمان راه دهیم. اما در نهایت، مهم این است که به پدرمان اعتماد کرده، و بدانیم که او می‌داند که چه می‌کند؛ و از این شاد باشیم که گوش به فرمان او هستیم.

**فرو رفتن، یا پاشیدن؟**

اما امروز سعی من این خواهد بود که با نظر به رسالۀ رومیان ۵:‏۲۰-‏۶:‏۴، مفهوم این عمل را کمی بیشتر توضیح داده، و به سوال برخی از شما در مورد شیوۀ تعمید در آب نیز پاسخ دهم؛ یعنی اینکه باید در آب فرو رفت، یا به پاشیدن آب اکتفا نمود؟ در واقع، بگذارید به طور کلی، دربارۀ شیوۀ فرو رفتن در آب، در مقایسه با پاشیدنِ آب، مطلبی را بیان کنم. دست‌کم، به سه گواه می‌توان باور داشت که وقتی عهد‌جدید، از تعمید آب سخن می‌گوید، به فرو رفتن اشاره دارد. ۱) در زبان یونانی، واژۀ «تعمید»، اساساً به معنای «غوطه‌ور کردن»، یا «فرو بردن» است، نه به معنای «پاشیدن». ۲) عهد‌جدید، در توصیف تعمید، بدین اشاره می‌کند که اشخاص در آب فرو می‌رفتند، نه اینکه با یک ظرف، آب بر آنها ریخته، یا پاشیده می‌شد (متی ۳:‏۶: «در اردن»؛ و ۳:‏۱۶: «از آب برآمد»؛ یوحنا ۳:‏۲۳: «در آنجا آب بسیار بود»؛ اعمال رسولان ۸:‏۳۸: «به آب، فرود شدند.») ۳) فرو رفتن، نمادی مناسب برای دفن شدن با مسیح است (رومیان ۶:‏۱-‏۴؛ کولسیان ۲:‏۱۲).

ما بیش از اندازه بر این مقوله تمرکز نمی‌کنیم، اما بگذارید به چگونگی نگاه کلیسای ما به این واقعیت پرداخته، و این نکته را بیان کنم که شاخۀ کلیسای ما، تعمید را فرو رفتن در آب دانسته، و آن را جزیی از عضویت در کلیسای محلی (اما نه در بدن جهانیِ مسیح) به حساب می‌آورد. ما باور نداریم که شیوۀ تعمید گرفتن، رکنی اساسی برای نجات یافتن است. از این‌رو، صرفاً بر مبنای شیوۀ تعمید گرفتن، ایمان مسیحیان را زیر سوال نمی‌بریم. حال شاید برای کسی این سوال پیش بیاید که «پس آیا شما کسانی را که واقعاً تولد تازه دارند، ولی ایماندارانی هستند که به نشانۀ تعمید، بر آنها آب پاشیده شده است، به عضویت نمی‌پذیرید؟» ما به دو دلیل، این افراد را به عضویت نمی‌پذیریم.

۱) آیا ما باید شیوه‌ای از تعمید را که ساختۀ دست انسان است، «تعمید» بنامیم، با وجودی که به دلایل و شواهدی مناسب، باور داریم که آن شیوه، از چیزی که مسیح مقرر نمود، به انحراف رفته است؟ اگر چنین کنیم، آیا اهمیت آنچه که مسیحْ خود در این آیین مقرر نموده را دست پایین نخواهیم انگاشت؟

۲) اجتماع مسیحیان محلی، که کلیسا نام دارد، همگی بر باور و عقیده‌ای مشترک بر مبنای کتاب‌مقدس بنا شده‌اند، که برخی از این باورها، اصول اساسیِ نجات بوده، و برخی، اصول اساسی نیستند. ما در زندگی جمعی‌مان در کلیسا، که بر پایۀ عهد و پیمان بنا شده است، دایرۀ اصول ایمان را تنگ و محدود نمی‌سازیم، بلکه معتقدیم که اهمیت حقیقت، و اقتدار کتاب‌مقدس، آن زمان بیشتر حرمت نهاده می‌شوند، که جماعت مسیحیان، ایمان خود را با آن دسته از اعتقاداتی تعریف کنند که در کتاب‌مقدس ریشه دارند؛ و بر روی آن اعتقادات نیز بایستند، نه اینکه هر زمان یکی از اعتقاداتشان، مورد سوال قرار گرفت، معنای عضویت را تغییر دهند. وقتی جماعتهای مختلف مسیحی، بتوانند این مهم را به انجام رسانند؛ و در عین حال، مهر و محبت برادرانۀ خود را نسبت به سایر ایمانداران ابراز دارند، هم بر حقیقت ایستاده، و هم محبت را به‌جای آورده‌اند. برای نمونه، این واقعیت که بسیاری از سخنرانان که به گردهمایی شبانان در کلیسای بیت‌لحم دعوت می‌شوند، نمی‌توانند به عضویت این کلیسا درآیند، گویای آن است که ما محبت و وحدت را جدی می‌گیریم؛ و حقیقت را هم جدی می‌گیریم.

در تعریف جماعتهای مختلف کلیسایی، در نسلهای مختلف، اصولی غیر اساسی گنجانده می‌شوند. گنجانیدن این اصول، و اینکه بر چه حقایقی باید تأکید گردد، عمدتاً به موقعیتهای مختلف، و به ارزیابی‌های مختلف بستگی دارد.

**تعمید آب، چه چیزی را به تصویر می‌کشد؟**

با این پیش‌زمینه، رومیان ۵:‏۲۰-‏۶:‏۴ را بررسی نموده، تا ببینیم که تعمید آب، چه چیزی را به تصویر می‌کشد؛ و در درجۀ دوم اینکه، از این بررسی، به چه شیوه‌ای از تعمید می‌رسیم. هدف من این است که شما را یاری رسانم، آن واقعیت پرجلالی را ببینید که تعمید بدان اشاره دارد، تا در اصل، خودِ آن واقعیت، شما را جلب نماید؛ و در درجۀ دوم، زیبایی و اهمیت تعمید، دل و فکر شما را آکنده سازد. رومیان ۵:‏۲۰-‏۶:‏۴:

اما شریعت در میان آمد، تا خطا زیاده شود، لکن جایی که گناه، زیاده گشت، فیض، بی‌نهایت افزون گردید. تا آنکه چنان که گناه، در موت سلطنت کرد، همچنین فیض نیز سلطنت نماید، به عدالت، برای حیات جاودانی، به وساطت خداوندِ ما عیسی مسیح. پس چه گوییم؟ آیا در گناه بمانیم تا فیض افزون گردد؟ حاشا! مایانی که از گناه مردیم، چگونه دیگر در آن زیست کنیم؟ یا نمی‌دانید که جمیع ما که در مسیح عیسی تعمید یافتیم، در موت او تعمید یافتیم؟ پس چون که در موت او تعمید یافتیم، با او دفن شدیم، تا آنکه به همین قسمی که مسیح به جلال پدر، از مردگان برخاست، ما نیز در تازگیِ حیات، رفتار نماییم.

یکی از عالی‌ترین نکاتی که در این آیات وجود دارد، این است که به شما نشان می‌دهد که اگر درک کنید که تعمید، چه چیزی را به تصویر می‌کشد، در واقع، این را درک خواهید نمود که وقتی مسیحی می‌شوید، به راستی، چه چیزی در شما روی می‌دهد. بسیاری از ما در لحظۀ ایمان آوردن، و تعمید گرفتنمان، دانسته‌های زیادی نداشته‌ایم، که در جای خود، خوب است؛ و انتظار می‌رود که در همان ابتدای ایمانتان، که هنوز دانش چندانی ندارید، تعمید یابید؛ و از این‌رو، انتظار می‌رود که پس از تعمیدتان، بیشتر و بیشتر معنای آن را فرا گیرید.

حال، با خودتان فکر نکنید که «آه! پس من باید برگردم و دوباره تعمید بگیرم، چرا که نمی‌دانستم تعمید آب، این‌همه معنا داشته است.» نه، نه. این حرف بدین معناست که در هر دوره‌ای که الهیات تازه‌ای را از کتاب‌مقدس می‌آموزید، باید دوباره تعمید بگیرید. در عوض، از این شاد باشید که در لحظۀ تعمید، ایمان ساده‌تان را در اطاعت از عیسی ابراز نموده‌اید؛ و اکنون، بیشتر و بیشتر به مفهوم آن پی می‌برید. پولس نیز در رسالۀ رومیان به همین شکل عمل می‌کند: او امیدوار است که خوانندگانش از این آگاه باشند که تعمید آب به چه منظور است، با این حال، به آنها تعلیم می‌دهد، تا اگر آگاه نیستند، آگاه شوند؛ یا اگر فراموش کرده‌اند، به خاطر آورند. از این آیات بیاموزید که قبلاً در چشم خدا چه تصویری داشتید؛ و وقتی مسیحی شدید، به راستی، چه چیزی در شما روی داد.

من بر مبنای این آیات، تنها به دو مورد از مواردی می‌پردازم که تعمید آب، آنها را به تصویر می‌کشد.

۱. تعمید آب، مرگ ما را در مرگ مسیح به تصویر می‌کشد. آیات ۳-‏۴: «یا نمی‌دانید که جمیع ما که در مسیح عیسی تعمید یافتیم، در موت او تعمید یافتیم؟ پس چون که در موت او تعمید یافتیم، با او دفن شدیم.» حقیقت عظیم دربارۀ ما مسیحیان این است: ما مرده‌ایم. وقتی مسیح جان داد، مرگی را متحمل شد که ما باید متحمل می‌شدیم. این حقیقت دست‌کم دو معنا دارد. ۱) یکی اینکه، ما همان اشخاصی نیستیم که در گذشته بودیم؛ انسانیت کهنۀ ما مرده است. ما همان اشخاص نیستیم. ۲) دیگر اینکه، اگر مسیح آن مرگی را متحمل نمی‌شد که ما باید متحمل می‌شدیم، در آن صورت، مرگ جسمانی که در آینده تجربه می‌کنیم، برایمان معنای کنونی را نمی‌داشت. از آنجا که ما با مسیح مرده‌ایم؛ و او مرگی را متحمل شد، که ما باید متحمل می‌شدیم، در نتیجه، مرگ ما، مخوف و سهمگین نخواهد بود، چنان که می‌توانست مخوف و سهمگین باشد. «ای موت، نیش تو کجاست؛ و ای گور، ظفر تو کجا؟» (اول قرنتیان ۱۵:‏۵۵). پاسخ این است که نیش و پیروزیِ مرگ، به واسطۀ مسیح، بلعیده شده است. پیغام هفتۀ گذشته را به یاد آورید: او جام را نوشید.

به تکرار واژۀ «در»، که در آیات ۳ و ۴ قید شده، توجه داشته باشید. «در مسیح عیسی» تعمید یافتیم؛ و «در موت او» تعمید یافتیم (آیۀ ۳)؛ و «در موت» تعمید یافتیم (آیۀ ۴). منظور این است که تعمید، اتحاد ما را با مسیح به تصویر می‌کشد؛ یعنی، ما از نظر روحانی، با مسیح یکی می‌گردیم، تا مرگ او، مرگ ما، و حیات او، حیات ما گردد. ما این یکی شدن را چگونه تجربه می‌کنیم؟ از کجا متوجه می‌شوید که این یکی شدن صورت گرفته است؟ پاسخ این است که ما با ایمان، به این تجربه می‌رسیم. رسالۀ غلاطیان ۲:‏۲۰ نیز در ربط دادن این حقیقت به ایمان، چنین می‌فرماید: «با مسیح مصلوب شده‌ام، ولی زندگی می‌کنم، لیکن نه من بعد از این، بلکه مسیح در من زندگی می‌کند؛ و زندگانی که الحال در جسم می‌کنم، به ایمانِ بر پسر خدا می‌کنم . . . » به عبارت دیگر، آن «من» که مرد، «منِ» کهنه و سرکش و بی‌ایمان؛ و آن «من» که زنده گشت، «منِ» ایمان بود؛ «زندگانی که الحال می‌کنم، به ایمانِ بر پسر خدا می‌کنم.» و پایه و اساس همۀ اینها، یکی شدن با مسیح است. «مسیح در من زندگی می‌کند»؛ و من در اتحادی روحانی با او، در او زیست می‌نمایم. مرگ او، مرگ من است؛ و حیات او، در حیات من جریان دارد.

رسالۀ کولسیان ۲:‏۶-‏۷ نیز تصویر دیگری از این واقعیت ارائه می‌دهد: «پس چنان که مسیح عیسی خداوند را پذیرفتید، در وی رفتار نمایید؛ که در او ریشه کرده، و بنا شده، و در ایمان، راسخ گشته‌اید.» در اینجا نیز مشاهده می‌کنید که باز هم با ایمان به مسیح است که می‌توانید یکی شدن با او را تجربه نمایید. شما به مسیح چون خداوند و نجات‌دهنده‌تان ایمان می‌آورید؛ و در آن ایمان، با او یکی شده، «در او» سلوک نموده، و «در او» بنا می‌شوید.

پس وقتی رومیان ۶:‏۳-‏۴ می‌فرماید که ما در مسیح، و در مرگ او تعمید یافته‌ایم، من چنین برداشت می‌کنم که تعمید، بیانگر ایمان است؛ ایمانی که ما به واسطه‌اش یکی شدن با مسیح را تجربه می‌کنیم. تصور می‌شود که خدا بدین دلیل آن شیوه را برای تعمید تدبیر نمود، تا دفن شدن را به تصویر بکشد، چرا که نمودار مرگی است که ما در یکی شدنمان با مسیح، تجربه می‌کنیم. به این سبب است که ما در آب فرو می‌رویم: فرو رفتن در آب، نماد دفن شدن است.

پس ای ایمانداران، بدانید که شما مرده‌اید. آن «منِ» کهنه و سرکش و بی‌ایمان، با مسیح مصلوب گشته است. تعمید شما در آب، این معنی را داشت؛ و این معنی را دارد.

۲. تعمید، تازگیِ حیات ما در مسیح را به تصویر می‌کشد.

آیۀ ۴: «چون که در موتِ او تعمید یافتیم، با او دفن شدیم، تا آنکه به همین قسمی که مسیح به جلال پدر، از مردگان برخاست، ما نیز در تازگیِ حیات، رفتار نماییم.» هیچ‌کس هنگامی که تعمید می‌گیرد، در زیر آب باقی نمی‌ماند. ما از آب، بیرون می‌آییم. پس از مرگ، حیاتی تازه به وجود می‌آید. وقتی من به واسطۀ ایمان، با مسیح یکی گشتم، آن «منِ» کهنه و سرکش و بی‌ایمان، مرد؛ و به محض اینکه «منِ» کهنه مرد، «منِ» تازه حیات یافت؛ یعنی شخصی تازه و روحانی، گویی که از مردگان برخاست.

کولسیان ۲:‏۱۲، یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین تفسیرات را در خصوص این حقیقت ارائه می‌دهد. پولس می‌گوید: «و با وی، در تعمید مدفون گشتید، که در آن هم برخیزانیده شدید، به ایمان بر عمل خدا، که او را از مردگان برخیزانید.» به این نکته توجه کنید: ما با مسیح برخیزانیده شدیم، درست همان‌طور که رومیان ۶:‏۴ می‌فرماید که ما در تازگیِ حیات، سلوک می‌نماییم؛ و این عمل خداست که مسیح را از مردگان برخیزانید، درست همان‌طور که رومیان ۶:‏۴ می‌فرماید که مسیح به جلالِ پدر، از مردگان برخاست؛ و این مهم، به ایمان بر عمل خدا صورت می‌گیرد، که عیسی را از مردگان برخیزانید.

از این‌رو، کولسیان ۲:‏۱۲، آنچه را که رومیان ۶:‏۴، به طور سربسته بیان می‌کند، صریح و آشکار می‌سازد؛ یعنی تعمید، ایمان ما را بر عمل خدا که عیسی را از مردگان برخیزانید، ابراز می‌دارد. ما ایمان داریم که مسیح از قبر برخاست؛ و امروز در دست راست پدر، در آسمان سلطنت می‌نماید؛ و دوباره در قدرت و جلال، از آسمان بازخواهد گشت. و آن ایمان به کار خدا؛ که پولس آن را جلال خدا می‌نامد، طریقی است که به وسیلۀ آن، در تازگی حیاتی که مسیح در خود داراست، شریک می‌شویم.

در واقع، آن تازگیِ حیات، حیاتِ ایمان در جلال، و در کار خداست. «با مسیح مصلوب شده‌ام، ولی زندگی می‌کنم، لیکن نه من بعد از این . . . و زندگانی که الحال در جسم می‌کنم، به ایمانِ بر پسر خدا می‌کنم.» آن تازگیِ حیات، حیاتی است که در آن، هر روزه به کار خدا؛ یعنی جلال خدا اعتماد می‌نماییم.

**تعمید آب، آن چیزی را به تصویر می‌کشد، که وقتی مسیحی شدیم، برای ما به وقوع پیوست**

پس مطلبمان را خلاصه، و نتیجه‌گیری نماییم**.** تعمید آب، آن چیزی را به تصویر می‌کشد، که وقتی مسیحی شدیم، برای ما به وقوع پیوست. آنچه برایمان به وقوع پیوست، این بود: ما با مسیح، متحد گشتیم. مرگ او، مرگ ما شد. ما با او مردیم؛ و در همان زمان، حیات او، حیات ما گردید؛ و حال، ما با حیات مسیح، که در ماست، زیست می‌نماییم؛ و همۀ اینها را به واسطۀ ایمان، تجربه می‌کنیم.

مسیحی بودن، یعنی همین؛ یعنی اینکه در واقعیتِ چیزی که تعمید به تصویر می‌کشد، زیست نماییم: هر روزه چشم از خود برداشته، به خدا نگریسته، و بگوییم: «به خاطر مسیح؛ پسرت، به نزد تو می‌آیم. من در او، از آنِ تو هستم. من با تو به مقصد رسیده‌ام. مسیح تنها امید من است، تا به حضورت پذیرفته شوم. من هر روزه، آن پذیرش را از نو تجربه می‌کنم. امید من، بر مرگ او برای من، و مرگ من در او، استوار است. حیات من در او، حیات ایمان در تو است ای پدر. من به خاطر او، به کار تو در من، و برای من، اعتماد می‌کنم. همان قدرت و جلالی که تو در برخیزانیدن او از مردگان به کار بردی، برای یاری به من هم به کار خواهی برد. من آن وعدۀ فیض آینده را باور داشته، و به آن امیدوارم؛ و همین است که حیات مرا تازه می‌سازد. ای مسیح! چقدر در آنچه که تعمیدِ من به تصویر می‌کشد، فخر می‌نمایم. سپاسگزارم که مرگی را متحمل شدی که من باید متحمل می‌شدم؛ و به من حیات تازه بخشیدی. آمین».